

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ملاحظات حقوقی و کیفری در خصوص زوجه بیمار سرمازیست

جواد حبیبی^۱، مدیحه هاشم پور^۲

۱- جواد حبیبی (استادیار، گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائم‌شهر، قائم‌شهر، ایران) (نویسنده مسوول) J.habibivakil@yahoo.com
 ۲- مدیحه هاشم پور (دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران)

چکیده

انسان بدلیل رغبت ذاتی به حیات جاودانه تمام تلاش خود را جهت استمرار حیات بکار می‌گیرد. زیست شناسان دریافته‌اند که برخی از ارگان‌های بدن در برخی زمان‌ها می‌توانند در شرایطی شبیه مرگ خود را پایدار و زنده نگاه دارند. وجود نشانه‌هایی برای بازگشت مجدد به زندگی، انسان را که موجودی فطرتاً علاقمند به ماندن و بقا است و میل به جاودانگی و حیات و ترس از مرگ در ذات و سرشت او قرار دارد را به سمت ایجاد و استفاده از فرصت‌ها و داشته‌ها سوق می‌دهد. که از جمله روش‌های نوین، ژن درمانی، اسکن مغز و نیز کرایونیک برای بیماران صعب‌العلاج است. در روش کرایونیک، دانشمندان با انجماد بدن بیمار، وی را به خوابی عمیق فرو می‌برند به این امید که پس از کشف طرق درمان قطعی وی در آینده، او را دوباره به زندگی بازگردانند. این امر ملاحظات بسیاری را در زمینه حقوقی و کیفری از جمله برای زوجه بیمار سرمازیست ایجاد می‌کند. منشا این مشکلات تردید در حیات و یا فوت فرد کرایونیک شده است. نگارنده پس از بررسی جوانب مختلف موضوع به این نتیجه رسیده است که اولاً اجرای کرایونیک به معنای سلب حیات از بیمار نیست و در نتیجه موجب از بین رفتن علقه زوجیت نمی‌گردد؛ ثانیاً زوجه می‌تواند با توسل به عسر حرج بوجود آمده در نتیجه سرمازیستی و غیبت غیر متعارف شوهر، از دادگاه تقاضای طلاق نیابتی نماید؛ ثالثاً حضانت فرزندان از محل اموال و دارایی‌های زوج بر عهده زوجه خواهد بود؛ رابعاً نفقه زوجه نیز از محل دارایی‌های زوج تامین خواهد شد لیکن در صورت عدم وسیع مالی، امکان طرح شکایت ترک انفاق علیه زوج وجود نخواهد داشت و خامساً رابطه نامشروع زوجه بیمار سرمازیست خارج از مفهوم «زنای محصنه» بوده و صرفاً مستوجب جلد خواهد بود.

کلمات کلیدی: زوجه، طلاق، حضانت، نفقه، احسان.

۱- مقدمه

زیست‌شناسان دریافته‌اند که برخی از ارگانیسم‌ها در برخی زمان‌ها می‌توانند در شرایطی شبیه مرگ خود را پایدار و زنده نگاه دارند. به عنوان مثال نوعی قورباغه درختی در آمریکای شمالی وجود دارد که تمام سیستم و کارکردهای بدنی وی در زمستان متوقف شده، قلب از تپش ایستاده و بدن کاملاً منجمد می‌شود لیکن با بازگشت تابستان تمامی کارکردهای اساسی بدن باز می‌گردد. (راچ، ۲۰۰۷، ص ۲۵) وجود چنین نشانه‌هایی برای بازگشت مجدد به زندگی، انسان را که موجودی فطرتاً علاقمند به ماندن و بقا است و میل به جاودانگی و حیات و ترس از مرگ در ذات و سرشت او قرار دارد را به سمت ایجاد و استفاده از وضعیت مشابه وا داشته است. (کرون، ۲۰۱۴، ص ۲) آدمی همیشه اقدامات خاصی را در زمان و مکان مربوط به خود بر اساس سطح علمی و دانش موجود انجام داده که نمونه آن مومیایی کردن اجساد برای جلوگیری از فساد نعشی در میان فراغنه مصر است. از نمونه تلاش‌های علمی امروزه برای استمرار بخشیدن به حیات انسان، ژن درمانی (به معنای جلوگیری از فساد و تباهی ژن‌ها) و نیز اسکن محتویات مغز انسان بر روی رایانه می‌باشد. (آگار، ۲۰۱۱، ص ۴۵) بعلاوه انسان کنونی با پیشرفت دانش و تکنولوژی، علم پزشکی و با بهره‌گیری از مفاهیم دیگر علوم و ابزارهای آن نظیر فیزیک و شیمی به علم «کرایونیک» یا سرمازیستی و فریز کردن بدن به‌عنوان دانشی نو بنیاد و نوظهور دست‌یازیده است. مقصود از ایجاد این نوع خواب زمستانی، نگاه داشتن افراد دارای امراض لاعلاج در حالت نیمه مرگ تا زمانی است که پیشرفت دانش پزشکی بتواند برای بیماری مزبور درمانی را معرفی نماید. (موین، ۲۰۱۵، ص ۶۷۷)

سرمازیستی یا انجماد انسان، دانش نوظهور است که با کاهش دما و تخلیه خون، بدن فرد بیمار توسط نیتروژن مایع منجمد می‌شود، طوری‌که به بافت‌ها و سلول‌های بدن آسیب وارد نشود به امید اینکه در آینده و با پیشرفت علم راهی برای بازگرداندن به زندگی و درمان بیماری فرد پیدا شود. (وستین، ۲۰۰۷، ص ۵۳۸) با این توصیف، مرگ دائمی مفهوم خود را از دست می‌دهد و دیگر نباید انسان را بدلیل توقف تپش قلب به خاک سرد سپرد. (اتینگر، ۲۰۰۵، ص ۱۲)

روش کار نیز بدین ترتیب است که با اجازه بیمار مبتلا به بیماری صعب‌العلاج، پس از ایست قلبی و با استفاده از مواد خاص ضد انعقاد و احیاء قلبی و ریوی خود کار، اکسیژن لازم به اندام‌های بدن به خصوص مغز برای ادامه حیات رسانده می‌شود

و سپس درجه حرارت بدن به تدریج کاهش می‌یابد. در این زمان برای جلوگیری از انجماد خون و پروتئین‌های بدن، به سرعت خون از بدن تخلیه و به جای آن مایع نیتروژن برای جلوگیری و محافظت از آسیب‌های ناشی از یخ زدگی وارد بدن می‌گردد. در این مرحله که بدن برای دمای فوق العاده سرد و پایین آماده شده، روند انجماد آرام و بتدریج آغاز و تا ۱۹۶ درجه سانتیگراد زیر صفر منجمد می‌شود و نهایتاً در آخرین گام بدن داخل یک کیپسول نیتروژن مایع قرار می‌گیرد. (سایت ادله کرایونیک، ۲۰۱۷)

زمان مطلوب برای اجرای موثر کرایونیک دو دقیقه پس از توقف تپش قلب و حداکثر مهلت موجود جهت اجتناب از تغییرات و صدمات زیان بار ۱۵ دقیقه است؛ از اینرو بسیاری از داوطلبان و اعضای باشگاه کرایونیک در اواخر حیات عادی خود در نزدیکی مراکز اجرای کرایونیک مستقر می‌شوند تا بلافاصله پس از مرگ ظاهری، تیم مستقر عملیات اجرایی مربوطه را آغاز نمایند.

موضوع بازگشت پذیری و بیدار شدن از این خواب زمستانی مصنوعی موضوع تحقیقات و آزمایشات گسترده‌ای بوده است. به عنوان مثال برخی دانشمندان توانسته‌اند که یک نمونه موش صحرایی را پس از نگهداری در دمای صفر درجه مجدداً از طریق فناوری مایکرو ویو به حالت طبیعی بازگردانند. (اندجوس، ۱۹۵۵، ص ۵۴۱) در سال ۲۰۰۵ محققان دانشگاه پیتسبرگ، سگس را با استفاده از روش کرایونیک به حالت انجماد کشانده، خون را از بدن وی خارج کرده و بجای آن مواد نگهدارنده را جایگزین نمودند. سگس به مدت سه ساعت در این وضعیت باقی ماند. با تزریق دوباره خون به و استفاده از شوک الکتریکی برای تپش مجدد قلب، این حیوان دوباره به حالت عادی برگشت بدون آنکه اثری از ضایعات و عوارض مغزی و یا سایر عوارض مشاهده گردد. (میم، ۲۰۰۵، ص ۴۵) در سال ۲۰۰۶ مشابه این آزمایش در بیمارستان عمومی ماساچوست بر روی نمونه‌های خوک انجام گرفت. نتایج منتشر شده حکایت از موفقیت ۹۰ درصدی در احیای ۲۰۰ نمونه مورد آزمایش داشت. (سیدنی، ۲۰۰۶، ص ۲۵)

بسیاری از دانشمندان حوزه کرایونیک امیدوارند که فناوری نانو بتواند در کنار تلاش‌های ایشان، استمرار حیات را با کشف شیوه‌های جدید درمان ضایعات بدنی افزایش بخشد. (رکسلر، ۱۹۹۶، ص ۶۷)

ایده اولیه کرایونیک به سال ۱۷۷۳ میلادی و شخص به نام «بنجامین فرانکلین»

بر می‌گردد. (اپلپارد، ۲۰۰۸، ص ۵۸) وی معتقد بود که سرد شدن شدید بدن پیش از مرگ می‌تواند انسان را برای سال‌های طولانی حفظ کند تا شاید در آینده دانش بشری بتواند بار دیگر آن‌ها را به حیات بازگرداند.» (مومین، ۲۰۱۵، ص ۶۷۷) اما نخستین نمونه عملی آن مربوط به شخصی بنام پروفسور جیمز بدفورد، استاد فیزیولوژی دانشگاه کالیفرنیا در سال ۱۹۶۷ میلادی است.» (مونت، ۲۰۱۲، ص ۷۴۷) در حال حاضر و در پاسخ به این نیاز فطری بشر، برخی از شرکت‌های تخصصی در زمینه «استمرار حیات» فعالیت می‌نمایند که در این میان شرکت الکور بزرگترین و معروف‌ترین مؤسسه کرایونیک در جهان به شمار می‌رود که دارای بیش از هزار مورد بیمار در حالت انجماد است.» (سایت الکور، ۲۰۱۷)

اجرای کرایونیک مباحث حقوقی و کیفری بسیاری را در خصوص زوجه بیمار سرمازیست ایجاد می‌کند. منشاء این مباحث نیز تردید در حیات یا فوت بیمار است. نظر بر وضعیت خاصی که بیمار سرمازیست از حیث صدق عنوان زنده و یا مرده دارد، ابتدا به بررسی وضعیت حیاتی وی در حالت انجماد پرداخته و سپس مهمترین موضوعات حقوقی و کیفری مرتبط با زوجه بیمار مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۲- وضعیت حیات یا فوت بیمار سرمازیست

برای پاسخ به این سوال که آیا اجرای کرایونیک (به شرح مذکور در فوق) منجر به سلب حیات بیمار می‌شود یا خیر، لازم است در ابتدا مفهوم مرگ و حیات مشخص گردد.

۲-۱- مفهوم مرگ و انواع آن

مرگ در لغت به معنای «نیستی، فنا و موت» آمده است. (عمید، ذیل کلمه مرگ) و «از نظر پزشکی مرگ توقف کامل و بی‌بازگشت اعمال حیاتی است.» (گودرزی، ۱۳۷۰، ص ۹۳) به عبارت دیگر، مرگ زمانی قطعی و واقعی خواهد بود که تمام اعمال حسی، حرکتی، تنفسی و اعضاء و جوارح انسان از کار بیفتند و امکان بازگشت آن وجود نداشته باشد. اگر مرگ ناگهانی رخ ندهد معمولاً مردن در تعقیب یکی از سه حالات نزع، اغماء یا مرگ ظاهری پیش می‌آید. البته نوع دیگری از مرگ موسوم به مرگ مغزی وجود دارد. «مرگ مغزی را نباید با مرگ قطعی اشتباه کرد. مرگ مغزی عبارت است از توقف غیر قابل بازگشت تمام اعمال مغزی.» (آقایی‌نیا، ۱۳۹۲،

ص ۵۱) در حالی که مرگ قطعی توقف غیر قابل بازگشت اعمال حیاتی است ولی از آنجا که اعمال حیاتی بدون دخالت مغز مرده و بدون کمک دستگاه‌های حمایتی قابل استمرار نیست و دانش پزشکی کنونی نیز از احیای مجدد اعمال مغز عاجز است فلذا مرگ مغزی در حکم مرگ قطعی تلقی می‌گردد.

نظر به مراتب مذکور، هیچ یک از انواع مرگ (مرگ قطعی و مرگ مغزی) بر انجماد بدن بیمار صعب‌العلاج منطبق نیست. اجرای کرایونیک مرگ قطعی نیست از آنرو که توقف غیر قابل بازگشت اعمال حیاتی در اجرای این روش مطرح نبوده و دانش پزشکی مدعی احیای فعالیت‌های اساسی بیمار منجمد شده است. همچنین مرگ مغزی نیز به شمار نمی‌آید زیرا اساساً اجرای موفقیت‌آمیز این روش علمی متکی بر حفظ کارکردهای مغز بیمار و جلوگیری از مرگ و فساد آن است. با این حال از آنجا که وضعیت سرمازیستی بیمار از حیث قطعیت حیات محل تردید است، ضرورت دارد مفهوم حیات و انواع آن نیز بیان و بر ما نحن فیه تطبیق یابد.

۲-۲- مفهوم حیات و انواع آن

حیات در لغت به معنای «زیستن، زنده بودن، زندگی و نقیض ممات» (عمید، ذیل کلمه حیات) آمده و حیات یعنی زنده بودن و در اینجا مراد زنده بودن انسان است بطوریکه او را مرده ندانسته و احکام مردگان را بر او جاری نسازیم. حیات به دو نوع «مستقر و غیر مستقر» تقسیم می‌شود. در حیات غیر مستقر تنها آخرین رمق حیات در فرد وجود داشته و روح همچنان به بدن تعلق دارد اما وضعیت به نحوی است که هیچ تصویری به غیر از جدا شدن روح از بدن فرد و فرا رسیدن مرگ نمی‌توان داشت. حیات غیر مستقر چنانچه مشهود است دارای مرزهای هم‌پوشان با مفهوم مرگ است. یکی از بارزترین مصادیق حیات غیر مستقر مرگ ساقه مغز است، (آقایی‌نیا، ۱۳۹۲، ص ۵۰) که در حکم مرگ قطعی است. در مقابل نیز مفهوم حیات مستقر وجود دارد که ناظر بر شکل طبیعی زیستن انسان هرچند در معرض خطر مرگ است.

نظر به مطالب مذکور، در خصوص وضعیت فرد سرما زیست می‌توان گفت که «انسان از نظر حیات یا زنده است یا مرده و حد وسطی که بتوان گفت نه مرده است و نه زنده، وجود ندارد.» (آقایی‌نیا، ۱۳۹۲، ص ۵۳) از اینرو بدلیل عدم صدق معنای مرگ بر وضعیت بیمار منجمد (به شرح مذکور در فوق) لاجرم ملتزم به

معنای حیات از وضعیت موصوف خواهیم بود. و از آنجا که در تقسیم ثنایی از حیات، مفهوم عدم استقرار ناظر بر اجتناب ناپذیر بودن وقوع مرگ است و در بیماران سرما زیست چنین فرضی از ابتدا منتفی است، از اینرو تردیدی در قبول حیات مستقر برای بیماران سرما زیست نخواهد بود.

۳- وضعیت زوجیت

موضوع زوجیت در خصوص زوجه فردی که به انجماد سپرده شده از آنجا واجد اهمیت است که زوجه برای ادامه زندگی خود و ازدواج با فرد دیگر لزوماً بایستی تعیین تکلیف گردد. حال که زوج ایشان به انجماد سپرده شده نمی‌توان زوجه او را نیز از ادامه زندگی و حیات و بهره‌مندی از مواهب زندگی محروم نمود. فلذا تعیین وضعیت حقوقی او ضروری است.

چنانچه فرد فریز شده را مرده پنداریم، احکام مردگان بر فرد فریز شده جاری است از این رو زوجه صرفاً طبق حقوق ایران باید عده وفات نگاه دارد و پس از انقضای آن مدت زن می‌تواند بنا به تشخیص و اراده خود همسر دیگری اختیار نماید. اما در فرضی که بیمار سرما زیست را زنده بدانیم، همسر وی همچنان در علقه زوجیت بوده و حق ازدواج با غیر را ندارد که این خود ممکن است موجب تکلف و مشقت برای زوجه باشد. برای رهایی از این وضعیت، یکی از محققان طرح بحث استفاده از عنوان حقوقی غایب مفقودالاثر و درخواست طلاق از سوی زوجه را مورد بررسی قرار داده و آورده است: «اگر فردی اقدام به انجماد بدن بیمار نماید، نمی‌توان با این تفکر که وی به حیات بر می‌گردد و مدت زمان انجماد ممکن است سال‌ها به طول بیانجامد زوجه وی را مثلاً برای مدت صد سال در سر در گمی نگه داشت لذا در اینجا احکام غایب مفقودالاثر مترتب می‌گردد و تا مدت ذکر شده در قانون همسر وی به انتظار مانده و سپس با تقدیم دادخواست طلاق از فرد منجمد شده طلاق غیابی می‌گیرد» (بصیر زاده و ادیبی سده، ۱۳۹۵، ص ۲۱۵)

به عقیده نگارنده این استدلال صحیح نیست چه این که غایب مفقودالاثر برابر صراحت ماده ۱۰۱۱ قانون مدنی کسی است که از غیبت او مدت بالتسبیه مدیدی گذشته باشد و از او به هیچ وجه خبری در دست نباشد. «کسی غایب مفقودالاثر شناخته می‌شود که مدت بالتسبیه مدیدی، از محل خود غایب باشد، و از او هیچ گونه خبری نرسیده باشد که او زنده و یا مرده است و الا هرگاه مدت بالتسبیه کوتاهی

غایب باشد و یا اینکه بدانند زنده است ولی محل او معلوم نباشد غایب مفقودالایر شناخته نمی‌شود اگر چه غیبت او مدت مدیدی به طول انجامد و یا هیچ زمان بر نگردد.» (امامی، ۱۳۸۸، ص ۲۳۲) از اینرو فردی که به انجماد سپرده شده غایب نیست و اخبار او نزد زوجه قرار دارد و چه بسا زوجه متولی پرداخت هزینه‌های سرمازیستی زوج خود نیز باشد.

برای حل مسأله و برون رفت از مشکل ایجاد شده برای زوجه بایستی به قاعده عسر و حرج تمسک جست. «عسر و حرج به معنی مشقت شدید است. قاعده عسر و حرج از قواعد ثانویه فقهی است. قاعده اولیه در مورد طلاق این است که اختیار آن در دست شوهر است. لیکن هرگاه دوام زناشویی برای زن موجب مشقت شدید باشد و شوهر زن را طلاق ندهد، به عنوان یک قاعده ثانویه، زن می‌تواند از حاکم تقاضای طلاق نماید. تشخیص اینکه ادامه زندگی زناشویی برای زن غیر قابل تحمل است، با قاضی است.» (صفایی و امامی، ۱۳۹۴، ص ۲۱۴) یکی از مصادیق تمثیلی تبصره ماده ۱۱۳۰ در باب عسر و حرج «ترک زندگی خانوادگی توسط زوج حداقل به مدت شش ماه متوالی و یا نه ماه متناوب در مدت یکسال بدون عذر موجه» است. در این صورت زن می‌تواند با مراجعه به دادگاه خانواده و اثبات وضعیت کرایونیک همسر خود و از باب عسر و حرج از زوج سرمازیست خود طلاق گرفته و به زندگی خود و احیاناً ازدواج با شخص دیگری اقدام نماید. حاکم شوهر را به طلاق اجبار می‌کند و اگر شوهر علیرغم حکم حاکم از طلاق خودداری کند، (کما اینکه در اینجا نیز همین فرض جاری است) حاکم یا وکیل او، به نمایندگی قانونی از شوهر، زن را طلاق می‌دهد.

۴- حضانت فرزندان شخص فریز شده

«حضانت در لغت به معنی پروردن است. در اصطلاح عبارت است از نگهداری مادی و معنوی طفل توسط کسانی که قانون مقرر داشته است.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵، ص ۲۱۳) برابر ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی نگهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابویین است. و وفق ماده ۱۱۷۱ همان قانون در صورت فوت یکی از والدین، حضانت طفل با آن که زنده است خواهد بود هر چند متوفای پدر طفل بوده و برای او قیم معین کرده باشد. با توجه به مراتب، اگر پدری خود را به انجماد سپرده باشد، تکلیف حضانت و نگهداری فرزند یا فرزندان او چگونه خواهد بود؟

نظر به وضعیت حیات فرد فریز شده که حالت خاصی از حیات مستقر شمرده می

شود و از آنجائیکه برابر ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابویین است، لکن فرد فریز شده امکان و قدرت حرکت و صحبت و نگاهداری فرزند یا فرزندان خود را ندارد و از طرف دیگر مرده نیز تلقی نمی شود و به تبع آن احکام مردگان نیز بر او جاری نیست فلذا نگارنده معتقد است که در خصوص مورد بر اساس قسمت اخیر ماده ۱۱۷۲ قانون مدنی اقدام می گردد. یعنی حضانت را به خرج پدر (فرد فریز شده) و از اموال و دارایی که تحت اداره و اختیار امین است برداشته و به فردی که این مهم را بر عهده گرفته (یعنی مادر) پرداخت شود. از حیث تقدم حق حضانت (اینکه در چه بازه سنی از حیات کودک و یا جنسیت طفل اولویت تقبل حضانت با پدر یا مادر است) نیز قواعد عمومی حضانت جاری است هر چند که در مانحن فیه بدلیل سرما زیستی پدر، فرضی غیر از حق (و به عبارت صحیح: تکلیف) مادر متصور نیست.

۵- وضعیت نفقه

«انفاق در اصطلاحات حقوق مدنی عبارت است از صرف هزینه خوراک و پوشاک و اثاث خانه و جامه به قدر رفع حاجت و توانایی انفاق کننده (در مورد نفقه اقارب) و خوراک و پوشاک و مسکن و اثاث خانه و خادم در حدود مناسبت عرفی با وضع زوجه (در مورد نفقه زوجه)». (صفایی و امامی، ۱۳۹۴، ص ۲۱۴) علی‌الاصول نفقه هر کس به عهده خود او است مگر جایی که قانون شخصی را الزام به پرداخت نفقه دیگری نماید. در قانون مدنی دو مورد نفقه افراد برعهده دیگری قرار داده شده است. نخست نفقه زوجه که طبق ماده ۱۱۰۶ برعهده زوج قرار گرفته است و دوم نفقه اقارب. (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۱۵۲)

نفقه زوجه (چه در فرض بقای زوجیت و چه در غیر آن از موارد استحقاق نفقه در مدت عده)، طبیعتاً از اموال و دارایی بیمار سرما زیست از مجرای امین تعیین شده بر اموال و دارایی‌های وی پرداخت می گردد. در فرض مرگ بیمار، ابتدائاً دیون و بدهی‌های متوفی از ماترک کسر و پرداخت و آنگاه نسبت به تقسیم ارث بر مبنای قواعد مطروحه در قانون مدنی اقدام می گردد. با فوت فرد، تکلیفی به پرداخت نفقه از سوی متوفی برای اشخاص واجب‌النفقه در زمان حیات او باقی نمی ماند و فرد مرده تکلیف برای پرداخت نفقه اولاد ندارد. در خصوص نفقه ایام عده وفات همسر سرما زیست، برابر ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی عمل می گردد: «در ایام عده وفات، مخارج

زندگی زوجه عندالمطالبه از اموال اقاربی که پرداخت نفقه به عهده آنان است (در صورت عدم پرداخت) تأمین می‌گردد.»
در فرض حیات بیمار و عدم تکافوی اموال وی جهت پرداخت نفقه زوجه، دو موضوع «درخواست طلاق توسط زوجه» و «اقامه دعوی کیفری ترک انفاق علیه زوج» قابل بررسی خواهد بود.

طبق ماده ۱۱۲۹ ق.م. در صورت استتکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجراء حکم محکمه و الزام او به دادن نفقه، همچنین در صورت عجز شوهر از دادن نفقه، زن می‌تواند برای طلاق به حاکم رجوع کند و حاکم شوهر او را اجبار به طلاق می‌نماید. علاوه بر این در شروط ضمن عقد مندرج در سند نکاحیه، یکی از موارد طلاق از جانب زوجه که با تحقق آن، زن وکیل مرد در طلاق می‌شود، نپرداختن نفقه به مدت شش ماه و عدم امکان الزام او است که با توجه به آن اگر مردی حداقل شش ماه نفقه پرداخت نکند و رای دادگاه در خصوص پرداخت نفقه را هم اجرا نکند زن می‌تواند تقاضای طلاق کند. بر این اساس از آنجا که الزام بیمار سرمازیست به پرداخت نفقه زوجه امکان‌پذیر نیست، زوجه می‌تواند متقاضی اجرای طلاق به حکم دادگاه گردد.

با این وجود بحث از امکان اقامه دعوی کیفری ترک انفاق علیه زوج سرمازیست تا حدودی متفاوت است. منشاء ایرادات وارده به طرح این شکایت، بیش از آنکه ماهوی باشد، شکلی است. از لحاظ ماهوی ماده ۵۳ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ که جایگزین ماده ۶۴۲ مبحث تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ گردید، ترک انفاق را دانسته است: «هر کس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه امتناع کند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود.» بدلیل ضرورت احراز عنصر روانی در تمامی جرایم (از جمله در ترک انفاق) توسط مرتکب، کشف سوء نیت مجرمانه و به عبارتی عمد زوج سرمازیست در ترک انفاق محل اشکال است. تحقق عمد در حقوق کیفری نیازمند حضور همزمان اراده و علم به موضوع است که هر دو، در ما نحن فیه قابل احراز نیست. فرض بر این است که بیمار سرمازیست فردی متمول است که از پیش هزینه‌های سنگین انجماد و سرمازیستی را برآورد و تقبل نموده است. وقوع شرایط ناخواسته‌ای که موجب مضیقه مالی برای انفاق به زوجه شده، بیش از هر چیز دامن خود بیمار را در استمرار وضعیت حیاتی خویش

خواهد گرفت. عدم تکافوی مالی برای نگهداری بیمار در حالت انجماد، بدون شک قطع دوران سرمازیستی و پایان حیات بیمار را به همراه دارد و این دقیقاً همان چیزی است که بیمار پیش از انجماد به اطراف آن نگریسته و تمهیدات لازم را برای اجتناب از چنین وضعیتی اندیشیده است. حال که مضیقه مالی موجب ترک انفاق برای زوجه شده، به قطع در تدابیر صورت گرفته خللی وارد آمده که خواست بیمار سرمازیست نبوده است و از اینرو عدم عمد بیمار در ترک انفاق برای زوجه خویش مشخص می‌گردد.

صرف نظر از بحث ماهوی، اشکال شکلی جدی در تعقیب کیفری زوج سرمازیست وجود دارد چه آنکه در صورت اعتقاد به تحقق جرم، امکان تعقیب کیفری، تفهیم اتهام، استماع دفاعیات متهم و النهایه اجرای مجازات بر اساس مقررات قانون آیین دادرسی کیفری برای فرد سرمازیست فراهم نیست.

۶- وضعیت احسان زوجه

از آنجا که در شریعت اسلام، رابطه جنسی خارج از چارچوب نکاح شرعی موجب کیفر حدی و شدید است، احکام مربوط به زنای زوجه بیمار سرمازیست موضوعی قابل توجه خواهد بود. مجازات حدی زنای محصنه، رجم و غیر محصنه جلد است. شدت مراتب مجازات در خصوص زانیه به قید «احسان» وابسته است.

احسان حالت کسی است که بدلیل قرار گرفتن در حصن علقه نکاح، بی‌نیاز از تمتعات جنسی خارجی است. (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۴۱، ص ۶۹) بر همین اساس در ماده ۲۲۶ ق.م.ا در تحقق احسان زن چنین آمده است: «احسان زن عبارت است از آنکه دارای همسر دائمی و بالغ باشد و در حالی که بالغ و عاقل بوده، با او از طریق قبیل جماع کرده باشد و امکان جماع از طریق قبیل را با شوهر داشته باشد.»

از آنجا که بیمار سرمازیست در وضعیتی قرار دارد امکان تمتع جنسی زوجه از وی فراهم نیست فلذا قید اخیر ماده مبنی بر اینکه «امکان جماع از طریق قبیل را با شوهر داشته باشد» منتفی بوده و زوجه بیمار سرمازیست از قید احسان خارج می‌گردد. در چنین شرایطی، زوج علی‌رغم حضور و صدق وضعیت حیات بر او، به منزله غایب (مثلاً غائب در سفر) بوده و غیبت او موجب خروج زوجه از وصف احسان است. در نتیجه اگر زوجه بیمار سرمازیست مرتکب زنا شود، مشمول عنوان حدی زنای غیر محصنه شده و مستوجب صرفاً ۱۰۰ ضربه شلاق حدی خواهد بود.

نتیجه گیری

سرمازیستی بیماران صعب‌العلاج موضوعات حقوقی و کیفری مختلفی را در رابطه با وضعیت زوجه ایجاد می‌نماید. منشا طرح موضوعات مزبور نیز تردید در حیات یا فوت بیمار سرمازیست است. نظر به تعریف ارائه شده از مرگ، به نظر می‌رسد که بیمار سرمازیست انسانی زنده و دارای شخصیت حقوقی همچون سایر شهروندان است و از اینرو از حق تمتع و استیفاء برخوردار می‌باشد. با این وجود وضعیت خاص حیاتی وی اقتضائات خاص خود را دارد که از جمله آن تردید در وضعیت و مآلاً حقوق و تکالیف زوجه او است. نگارنده پس از تحریر محل نزاع، بدین نتیجه رسیده است که زوجه بیمار سرمازیست می‌تواند بدلیل عسر و حرج غیر قابل تحملی که در شرایط سرمازیستی زوج بدان دچار می‌شود و همچنین با استناد به ترک انفاق به مدت بیش از شش ماه تقاضای طلاق را به دادگاه نموده و دادگاه نیز می‌تواند بدلیل عدم امکان اجبار زوج به مطلقه نمودن زوجه، راساً وی را طلاق دهد. همچنین پرداخت نفقه زوجه و افراد واجب‌النفقه از محل دارایی‌های بیمار سرمازیست صورت خواهد گرفت لیکن نظر به وضعیت خاص بیمار و شرایطی که در آن قرار دارد، چنانچه به هر دلیل اموال و دارایی‌های وی تکاپوی لازم جهت تامین هزینه‌ها و تکالیف قانونی را نداشته باشد، امکان تعقیب کیفری نامبرده به اتهام ترک انفاق وجود نخواهد داشت. حضانت فرزندان بیمار سرمازیست نیز از محل اموال و دارایی‌های بیمار بر عهده زوجه خواهد بود. همچنین وضعیت سرمازیستی بیمار، زوجه وی را مادام که در علقه نکاح باقی بماند، از قید احسان خارج کرده و روابط نامشروع زوجه مستوجب حد رجم نخواهد بود.

منابع و مأخذ منابع فارسی و عربی

- * قرآن کریم
- * قانون حمایت از خانواده
- * قانون مجازات اسلامی
- * قانون مدنی
- * آقای نیما، حسین، حقوق کیفری اختصاصی، جرایم علیه اشخاص (جنایات)، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲.
- * امامی، حسن، حقوق مدنی، تهران: انتشارات اسلامیه، ۱۳۸۸.
- * بصیر زاده، شهناز و ادیبی سده، سارا، «بررسی فقهی و حقوقی احوال شخصیه در انجماد بدن و حیات دوباره»، مطالعات حقوق، شماره شصت و پنجم، ۱۳۹۵.
- * جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۵.
- * صفایی، سید حسن و امامی، اسد الله، حقوق خانواده، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۴.
- * عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۵.
- * کاتوزیان، ناصر، حقوق خانواده، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۴.
- * گودرزی، فرامرز و کیانی، مهرزاد، پزشکی قانونی، تهران، انتشارات انیشتین، ۱۳۷۰.
- * نجفی، حسن، جواهر الکلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱.

منابع انگلیسی

- * Agar N, 'On the irrationality of mind-uploading: a rely to Neil Levy. Published online on ۲۰th August ۲۰۱۱ by Springer-Verlag London Limited.
- * Andjus, R.K and Lovelock, J.E. 'Reanimation of Rats from body temperatures between ۰ and ۰°C by Microwave Diathermy'. Published by J. Physiol. (1۹۵۵)
- * Appleyard Brian, "How to Live Forever or Die Trying: on The New Immortality", London, Pocket Books, ۲۰۰۸.
- * Cron R, "Is Cryonics an Ethical Means of Life Extension?", University of Exter, ۲۰۱۴.
- * Drexler E, 'Engines of Creation'. Published by Fourth Estate Limited, ۱۹۹۶. • Elvin: 'Vi Veri Veniversum Vivus Vici'. Published Monday, April ۲۰۰۹, ۲۷ <http://kokokrunchh.blogspot.co.uk>
- * Ettinger R, 'The Prospect of Immortality' Ed. Charles Tandy. Published in ۲۰۰۵ by Cultural Classics series, Ria University Press, California
- * Institute for Evidence-Based Cryonics, "What Is Cryonics?" Available from: <http://www.evidencebasedcryonics.org/what-is-cryonics/>. [Last Visit: ۲۰۱۷]
- * Mihm, Stephen: 'Zombie Dogs'. Published in the New York Times, December ۱۱th ۲۰۰۵. <http://www.nytimes.com>
- * Moen OM, "The case for cryonics", Journal of Med Ethics, ۸۱ ۴۱:۶۷۷;۲۰۱۵.
- * Monette M, "Spending eternity in liquid nitrogen" CMAJ, ۸ ۱۸۴:۷۴۷;۲۰۱۲.
- * Roch J, "Antifreeze-Like Blood Lets Frogs Freeze and Thaw With Winter's Whims". Published for National Geographic News, February, ۲۰۰۷.
- * Sydney Morning Herald: 'Doctors claim suspended animation success'. January ۲۰th, ۲۰۰۶. <http://www.smh.com.au>
- * Whetstone L, Streat S, Darwin M, Crippen D. "Pro/Con Ethics Debate: When Is Dead Really Dead?", Crit Care ۴۲-۹:۵۳۸;۲۰۰۵.

منابع اینترنتی

سایت موسسه الکور، آخرین مراجعه: ۱۳۹۸/۲/۲۰ (<http://www.alcor.org>)

Legal and Criminal Aspects on Cryonic Patient Wife

Abstract

Eternity is a human basic instincts. So he do his best for it. Cryonic among other methods like Gen therapy and mind uploading is a hypnotically way for life extension via cooling patient body whit purpose of recovering and curing in future. This method raised various legal and criminal problems for patient wife which have roots in patient status of life or death. The author firstly believes that doing cryonic does not amount to death, therefore the patient spouse is still his wife. Secondly the wife may based on difficulty in life apply for divorce to court. Thirdly custody of children is the duty of the wife; fourthly the alimony of wife is duty of husband in his property but failure to do so never results in legal complaints; lastly illegal sexual relations of wife is not supposed as adultery.

Key words: Wife, Divorce, Custody, Alimony, Adultery.



studies of economic jurisprudence

پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
رتال جامع علوم انسانی